

### جایگاه آب در سیاست دفاعی و امنیتی رژیم اشغالگر قدس\*

تاریخ دریافت مقاله :	۸۴/۶/۴	نویسندگان : دکتر حسین حسینی**
تاریخ تأیید مقاله :	۸۴/۷/۱۵	مجتبی محمدرضایی***
صفحات مقاله :	۵۱-۹۰	

#### چکیده

رژیم اشغالگر صهیونیستی را دولت آب نامیده‌اند. بنیانگذاران این رژیم از ابتدا به محدود بودن منابع آب این منطقه واقف بودند. بر این اساس تلاشهای دیپلماتیک زیادی از اوایل قرن بیستم برای تأمین منابع آب با کمک قدرتهای بزرگ و استعماری آن زمان انجام دادند و سرزهای دولت یهود را از شمال تا رود لیطانی و از شرق تا رود اردن قرار دادند. در واقع آنها نوعی سرز هیدرو استراتژیک برای رژیم صهیونیستی ترسیم کردند. با ایجاد این رژیم در سرزمین فلسطین در سال ۱۹۴۸ و به دنبال آن مهاجرت بی‌رویه یهودیان به این منطقه کمبود شدید آب احساس شد. بدین سان رژیم صهیونیستی از همان ابتدا نوعی مدیریت منسجم را بر منابع آبی خود اعمال کرد و ضمن اشغال بسیاری از منابع آبی اعراب، با اتخاذ استراتژی‌ها و سیاستهای هماهنگ توانست به‌طور موقت بحران کم‌آبی را پشت سر بگذارد؛ اما این مسئله همچنان برای این رژیم به عنوان یک معضل باقی مانده است.

\* \* \* \* \*

#### کلید واژگان

هیدروپلیتیک، سیاست دفاعی، سیاست امنیتی، رژیم اشغالگر قدس

\* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد آقای مجتبی محمدرضایی می‌باشد که با راهنمایی دکتر حسین حسینی در دانشکده و پژوهشکده علوم دفاعی و امنیت ملی دانشگاه امام حسین(ع) دفاع شده است.  
\*\* استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین(ع).

Email : Hoseini2@yahoo.com

\*\*\* کارشناس ارشد مطالعات دفاعی دانشگاه امام حسین(ع).

## مقدمه

در آغاز قرن بیست و یکم در جهان معضل کمبود آب، بیش از هر زمان دیگری، به عنوان مسئله‌ای بین‌المللی رخ نموده و در کنار عناصر استراتژیک دیگری همچون نفت، ارزش امنیتی و سیاسی پیدا کرده است. امروزه در بسیاری از نقاط کره زمین، آب از حالت شیئی فراوان و در دسترس، به کالای کمیابی تبدیل شده است. محققان، اکنون آن را ضرورتی حیاتی برای دستیابی به توسعه همه‌جانبه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، و عامل پایداری فرهنگ و تمدن قلمداد می‌کنند. اهمیت استراتژیکی آب تا آنجا است که برخی مدعی شده‌اند جنگ جهانی سوم بر سر منابع آبی به وقوع خواهد پیوست و برخی دیگر تا آنجا پیش رفته‌اند که مدعی شده‌اند دلیل اصلی حمله آمریکا به عراق، تسلط بر منابع آبی خاورمیانه بوده است (ریوات دنوفندان، ۱۳۸۲).

در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی، دستگاههای اطلاعاتی آمریکا اعلام کردند که حداقل در ده نقطه از جهان، احتمال بروز جنگ بر سر منابع آبی مشترک وجود دارد و بیشترین نقاط نیز در منطقه آسیای جنوب غربی واقع شده‌اند (استار، ۱۳۷۱). در میان کشورهای خاورمیانه (و یا به تعبیر بالا، آسیای جنوب غربی) نیز احتمالاً فلسطین اشغالی، بیشترین مشکلات آبی را دارد. رژیم صهیونیستی در پنج دهه گذشته، همواره در پی دستیابی به منابع آبی، حتی در سرزمین همسایگان خود بوده است. جنبش صهیونیستی حتی پیش از اشغال فلسطین و تشکیل رژیم صهیونیستی، اهمیت آب را مورد توجه قرار داد و آن را از مشکلات بنیادین دولت یهود قلمداد نمود. البته بیشترین نگرانی این رژیم نسبت به مسئله آب، از دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد، که خشک‌سالی‌های پی‌درپی خاورمیانه را فراگرفت نمایان شد. از آن پس، رژیم صهیونیستی مشکل آب را در سیاست‌های ملی و دفاعی - امنیتی خویش در اولویت قرار داد، به گونه‌ای که گفته شده، رؤیای "اسرائیل بزرگ"، تنها با قطرات آب قابل تحقق خواهد بود.

با توجه به نکات یاد شده، در مورد رژیم صهیونیستی، آب در مرکز ثقل

امنیت ملی و سیاست دفاعی این رژیم قرار گرفته و مفهوم "امنیت آب" در کنار مفاهیمی همچون امنیت نظامی جای گرفته است. بر این اساس، پرسش محوری مقاله حاضر عبارت است از اینکه: «تأثیر آب بر سیاستها و اقدامات دفاعی - امنیتی رژیم صهیونیستی چیست؟»

پاسخ مقدماتی ما به سؤال یاد شده (فرضیه اصلی) این است که آب به عنوان یک نیاز حیاتی و منبع استراتژیک، یکی از عوامل اصلی شکل و جهت‌دهنده سیاست دفاعی و امنیتی، رژیم اشغالگر قدس است. فرضیه‌های فرعی بیان می‌دارد که نیاز روزافزون رژیم صهیونیستی به آب جهت تحقق اهداف بلندپروازانه آن رژیم عامل مؤثری در تحقق سیاستهای دفاعی و امنیتی است. نیاز روزافزون کشورهای عربی و بعضاً مخاصم رژیم اشغالگر قدس به آب، در آینده عامل مؤثری در شکل‌دهی به سیاست دفاعی و امنیتی این رژیم خواهد بود. آب در رژیم اشغالگر قدس نقش سیاسی - امنیتی فزاینده‌ای یافته و به عاملی استراتژیک و تأثیرگذار بر امنیت ملی و روابط دوجانبه با همسایگان آن تبدیل شده است.

#### چارچوب نظری

عامل اساسی نگرش استراتژیک به مسئله آب، بویژه در خاورمیانه، کاهش فزاینده آن در چند دهه گذشته می‌باشد. استفاده از آب در سطح ملی و بین‌المللی از مدیریت صحیحی برخوردار نبوده است. فراوانی و در دسترس بودن آب در گذشته، اکنون جای خود را در بسیاری از نقاط زمین به کمبود شدید و نیاز فراوان به آن داده است. این موضوع وقتی حائز اهمیت است که از منظر نظریه‌پردازان مدیریت، آب "کلید توسعه پایدار" برای حفظ جوامع بشری نامیده شده است. کمبود منابع آب و نابرابری توزیع آن در جهان، می‌تواند صحنه بین‌المللی را دستخوش تشنج سازد و جنگهای جدی را در حواشی منابع بین‌المللی آب به وجود آورد. گزارش آماری سازمانهای بزرگ بین‌المللی از جمله بانک جهانی، شورای جهانی آب، واحد تحلیل و پیش‌بینی یونسکو و سازمان ملل

درباره منابع قابل شرب در مقیاس جهانی بسیار هشداردهنده است. بنابر آخرین آمار منتشر شده در جهان ۱/۴ میلیارد نفر به آب قابل شرب دسترسی ندارند. در واقع هشتاد کشور جهان برای تهیه آب شرب موردنیازشان دچار مشکل هستند که این رقم چهل درصد جمعیت را شامل می‌شود. پیش‌بینی شده است که میزان تقاضا برای آب شرب در جهان در فاصله زمانی ۱۹۹۵ تا سال ۲۰۲۵، ۸۲ درصد رشد داشته باشد. با توجه به این دانسته‌ها واضح است که آب در قرن حاضر به یک ماده حیاتی کمیاب و گران تبدیل خواهد شد.

#### ۱- تقاضای جهانی آب و کمبود آن

به استثنای مناطق قطبی، آبهای روان سطح زمین را تقریباً نزدیک به ۴۰۶۰۰ کیلومتر مکعب تخمین زده‌اند. این مقدار آب شاید برای ده برابر جمعیت کنونی جهان کافی باشد. حال باید دید مشکل آب از کجا ناشی می‌شود. برای دریافت پاسخ، باید به تقاضای آب نگریست. تلاشی مداوم برای افزایش بی‌رویه تقاضای آب در مناطق مختلف جهان به وجود آمده است؛ در حالی که، برخلاف اکثر منابع، جانشینی برای آن وجود ندارد. این تقاضا در نیمه دوم قرن بیستم چهار برابر شده است. در سال ۱۹۴۰ کل آب مصرفی حدود ۱۰۰۰ کیلومتر مکعب بوده است. این رقم تا سال ۱۹۶۰ به ۲۰۰۰ کیلومتر مکعب رسید و در سال ۱۹۹۰ این عدد با دوبرابر رشد به چهار هزار کیلومتر مکعب رسید (Dolatyar & Gray, 2000, 66). از سوی دیگر بر اساس پیش‌بینی‌ها، جمعیت جهان در سال ۲۰۵۰ به رقم ۱۰/۶۴ میلیارد نفر خواهد رسید که حدود ۸۷ درصد آن یعنی ۹/۲۹ میلیارد نفر در کشورهای جهان سوم ساکن می‌باشند. به این ترتیب افزایش نیاز به تولید مواد غذایی، فرآورده‌های دامی و کشاورزی و تغییر الگوی مصرف متناسب با توسعه صنعتی، فشارهای غیرقابل تحملی را بر منابع طبیعی وارد خواهد کرد. در پاره از مناطق امروزه این فشارها منجر به تخریب غیرقابل ترمیم منابع طبیعی بالقوه تجدیدشونده، گردیده است. (فغانی، ۱۳۷۸، ص ۲۱)

## ۲- نظریه‌های هیدروپلیتیکی

### ۲-۱- نظریه کمبود آب

بر اساس این نظریه، منابع آب شیرین قابل دسترس در بیشتر نقاط جهان کمیاب می‌باشد و نیازهای واقعی را برآورده نمی‌کند. در یک مفهوم اقتصادی زمانی از این اصطلاح استفاده می‌کنیم که تقاضا از تولید پیشی گیرد. همچنین مفهوم دیگری از کمبود آب، که بیشتر دارای جنبه روانی است، وجود دارد و آن زمانی است که به هر دلیل مردم معتقد باشند کمبود آب وجود دارد و رفتارشان را بر اساس آن تنظیم کرده و خواه‌ناخواه احساس خودشان را حقیقی تلقی کنند. از تئوری کمبود آب، برداشت‌های مختلفی صورت گرفته است.

الف) برداشت امنیتی: به نظر واقع‌گرایان، آب یک منبع قدرت است و کمبود آن، موضوع یک بحران استراتژیک سطح بالاست که بر جامعه و توسعه اقتصادی ملت تأثیر گذاشته و برای قدرت سیاسی و تحلیل بردن آن تهدید به شمار می‌رود. از نظر واقع‌گرایان در جهان سیاست، بین کمبود منابع و جنگ یک رابطه مثبت وجود دارد. از این دیدگاه، تاریخ پر از جنگ بر سر منابع است. فالکن مارک و ویدسترانت مدعی شده‌اند که، دستیابی به آب در سراسر تاریخ عموماً با منازعات سیاسی و نظامی همراه بوده است. تحلیل‌گران نظامی مثل تامپسون، عقیده دارند که آب شیرین شبیه رابطه‌های سایر منابع کمیاب جهان است و از زمانی که آب به‌طور فزاینده‌ای کم شده، هر چه بیشتر، منبعی برای جنگهای آینده گردیده است. (Dolatyar & Gray, 2000, 15-18)

ب) برداشت اقتصادی: اقتصاددانان اهمیت استراتژیکی و امنیتی را که برای آب به عنوان یک منبع بی‌نظیر عنوان شده، رد کرده و اظهار داشته‌اند کمبود آب در اصل یک مسئله اقتصادی است، در صورتی که ملتها آب را به عنوان یک دارایی با ارزش وارد چرخه تجارت کنند، مشکل برطرف خواهد شد. بنابراین راه‌حل آن نه در به‌کارگیری نیروی نظامی، بلکه در به‌کارگیری مکانیزم بازار قرار دارد. اقتصاد آب، به‌طور فزاینده‌ای، بر مدیریت منطقه‌ای صلح‌آمیز منابع آب تأکید

دارد، زیرا آب یک کالا است که نیاز ما را مرتفع می‌سازد. برای اقتصاددانان، مشکل آب به این واسطه به راحتی قابل حل است.

ج) برداشت حقوقی: حقوق‌دانان معتقدند به این موضوع باید از لحاظ حقوقی نگریست. زیرا کسب موفقیت در بازار مبتنی بر وجود نهادهای شایسته و قوی است که محیط یا شرایط را برای اجرای نقشهای اقتصادی یا هر سازوکار مدیریتی دیگر فراهم سازند. البته تعریف سیستم حقوقی و مالی و دارایی آن یکی از مسائل اساسی است. از این منظر، فقدان توافقات بین‌المللی بین کشورهای حاشیه رودخانه‌ها در خصوص حقوقشان، دلیل واقعی بحرانهای آب است. راه‌حل موفقیت‌آمیز بودن آن، متکی به ایجاد حقوق آب در سطح ملی و بین‌المللی است. از میان عناصر ضروری کمک‌کننده در ایجاد چنین محیطی، وضع قوانین مناسب برای ایجاد حقوق آب در سطح ملی و بین‌المللی می‌باشند.

د) برداشت تکنولوژیکی: نظریه دیگر مربوط به تکنولوژیست‌هاست، کسانی که از اساس ایده کمبود آب را انکار کردند. آنان مدعی هستند با کمک تکنولوژی می‌توان بیش از آنچه اکنون در اختیار انسان‌هاست برای نیازهای حال و آینده آب فراهم کرد. در این دیدگاه مدیریت تکنولوژی منابع آب با کمک بازار، به طور حتمی می‌تواند مشکل کمبود آب را رفع کند. (Dolatyar & Gray, 2000, 16)

## ۲-۲- نظریه (برداشت) زیست‌محیطی

نظریه زیست‌محیطی به‌طور قابل توجهی با ادبیات سایر نظریه‌ها متفاوت است. این نظریه درصدد ایجاد یک ارتباط علی بین تغییرات زیست‌محیطی و ستیزه‌های شدید است. این تئوری به محیط‌زیست‌گراها تعلق دارد. آنها بر این عقیده‌اند که بحران آب جزئی از بحران زیست‌محیطی فراگیری است که امروزه جهان با آن مواجه است. بنابراین، تفکر برداشت امنیتی، صلاحیت و شایستگی سازوکار بازار، بسندگی چارچوب حقوقی و راه‌حل‌های تکنولوژیک را رد می‌کنند و در عوض، اندیشه‌های محدودسازی رشد، توسعه قابل تحمل و امنیت

زیست‌محیطی را جلوه می‌دهند. از دید اینها زمین سیاره‌ای متناهی با منابع محدود است و در استفاده از منابع آن محدودیت وجود دارد، ولی استفاده بشر فراتر از چیزی است که زمین دوباره آن را بازیافت می‌کند. منابع آب نیز چنین هستند. بنابراین وقتی آب نقشی چندکارکردی در شکل‌دهی فرهنگ، مذهب، اقتصاد، بهداشت و بسیاری دیگر از جنبه‌های زندگی انسان بازی می‌کند، موضوعات مربوط به آن نیاز به نگاهی فراگیر در زمینه روابط بین انسان و محیط زندگی او به عنوان یک کل دارد (Dolatyar & Gray, 2000, 16). بنابراین اشتیاق برای رشد نامحدود در یک سیستم محدود غیرممکن است. رشد و توسعه اقتصادی باید تا آنجا باشد که اولاً تخریب محیط زیست را به دنبال نداشته باشد و ثانیاً به صورت مستمر و یکنواخت ادامه یابد.

### ۲-۳- نظریه ضرورت (نیاز) هیدرولیک<sup>۱</sup>

نظریه نیاز بر اساس رفتار کشورهای خاورمیانه در هیدروپلیتیک آب مطرح شده است. پیروان این نظریه، جستجو برای منابع آبی را محرک دولتها برای تسلط بر منابع آبی می‌دانند. به اعتقاد آنها دولتها - بویژه در حوزه‌های مشترک آبی - به طور جدی خواستار نگهداری منابع آب هستند. این تلاش بیشتر از سوی کشورهای بالادست رودخانه‌ها که نیاز آنها روزبه‌روز افزون‌تر می‌شود، صورت می‌گیرد. این کشورها تلاش می‌کنند جریان آزاد رودخانه‌ها را قبل از عبور از مرزهای ملی محدود کنند. گسترش منابع آب بین دولتهایی که در یک حوزه سطحی یا زیر سطحی سهم هستند، بازی مساوی صفر تلقی می‌شود. (Rouyer, 2000)

بحران آب در رژیم صهیونیستی و پیامدهای امنیتی آن  
 ۱- آب و ارزش امنیتی آن برای رژیم صهیونیستی  
 ۱-۱- نگرش جنبش صهیونیسم

طرح صهیونیسم بر مبنای جذب بیشترین تعداد از یهودیان و اسکان آنان در



کشور فلسطین پایه‌ریزی شد. موفقیت کامل این طرح به ایجاد اشتغال و سطح زندگی نسبتاً بالایی برای یهودیان بستگی داشت، تا مشوق ماندن آنها در منطقه و اغواکننده سایر یهودیان برای مهاجرت به فلسطین باشد (کیوان‌حسینی، ۱۳۷۵، ص ۳۱). با تشکیل کنفرانس بال سوئیس در سال ۱۸۹۷ تئودور هرتزل، رهبر سیاسی صهیونیستهای جهان، با حمایت دولتهای سرمایه‌داری اعلام کرد که هدف اصلی صهیونیزم تأسیس یک موطن برای یهودیان است. بعدها هرتزل در خاطرات خودش گفته بود که در بال دولت یهود را بنیان گذاشتم. پس از این بود که تلاشهای عملی و همه‌جانبه برای تحقق اهداف صهیونیستها دنبال شد (احمدی، ص ۲۹۵). بنیانگذاران صهیونیست از ابتدای تأسیس رژیم صهیونیستی و مدتهای بسیار قبل از آن، به این نکته آگاهی داشتند که آب بنیان توسعه و پیشرفت منطقه را تشکیل می‌دهد. از این رو دیپلماسی خود را در ضمن ایجاد دولت یهود بر مسئله آب متمرکز ساختند.

آرمان جاه‌طلبانه صهیونیسم برای تأسیس واحد سیاسی به نام «اسرائیل»، به‌گونه‌ای طراحی شد که مهمترین منابع آبی را دربر می‌گرفت. تئودور هرتزل در کنفرانس بال سوئیس در مقام تشریح مرزهای دولت یهود به مرزهای آبی استناد نموده و به‌طور جدی الحاق آنها را به فلسطین اشغالی خواستار شد. این مطلب در نامه لوسپین براندیس، نماینده صهیونیستها، در خصوص ضرورت بازنگری انتقادی به قرارداد سایکس - پیکو آمده است. آنجا که می‌گوید: «قرارداد سایکس - پیکو در تقسیم کشور به مرزهای تاریخی و ضرورتهای طبیعی توجه نداشته است... و این بدان معنا است که فلسطین از ناحیه شمال باید به رود لیطانی و آبهای حرمون متصل شود و در شرق دشت جولان و حوران را در بر گیرد.» (افتخاری، ۱۳۷۹، ص ۱۷۲)

متعاقب این درخواست، وایزمن بر تأمین خواسته‌های یهودیان در زمینه آب تأکید کرده، تحصیل آنها را ضروری می‌شمارد. وایزمن به لوئید جورج، نخست‌وزیر انگلیس، به سال ۱۹۱۹ چنین آورده است: «فلسطین دارای مرزهای



طبیعی بسیار است و امکان تبدیل آن به کشوری غنی وجود دارد. ثروت فلسطین در آینده از زمین و آب و هوای مناسب جهت کشت مرکبات و سایر تولیدات کشاورزی با ارزش به دست خواهد آمد. بنابراین، حجم تولید کشاورزی به آب نیاز دارد» (نهای، ۱۳۷۵، ۲۰۰-۱۹۹). وی در نامه دیگری در سال ۱۹۲۰ به وزیر امور خارجه انگلستان چنین نوشته است: «آب عنصر اساسی برای امنیت و بقای دولت یهود است.» (نهای، ۱۳۷۵، ۲۰۰)

وایزمن، از بنیانگذاران جنبش صهیونیسم، در خلال برگزاری کنفرانس صلح پس از جنگ جهانی اول، مرزهای کشوری را که جنبش صهیونیسم برای آن برنامه‌ریزی می‌کرد چنان توصیف کرد که حتی بخشهای پایین رودهای لیطانی و یرموک را نیز شامل می‌شد. وایزمن در توجیه این امر تأمین راههای طبیعی برای دسترسی رژیم صهیونیستی به دریا و همچنین ضرورت تسلط بر رودهایی که منابع آبی کافی را برای این رژیم تأمین کند، عنوان کرد. وی معتقد بود امنیت استراتژیک رژیم صهیونیستی در گرو امنیت آبی آن است. این موضع‌گیری جنبش صهیونیسم نتیجه مطالعات ویژه درباره آب و زمین بود که آن را از سال ۱۸۷۳ آغاز کرده بود. چارلز وارن در سال ۱۸۷۵ گزارشی از نتایج این تحقیقات منتشر کرد که در آن آمده بود، فلسطین و صحرای نقب می‌توانند ۱۵ میلیون نفر را در خود جای دهند، مشروط بر آنکه آب لازم برای آنها تأمین شود (احمد منو، ۱۹۹۸). در ابتدا سعی بر آن بود، آب مورد نیاز از طریق سیطره بر اراضی و تشکیل وطن ملی برای یهودیان که نشان‌دهنده مفاهیم اعتباری صهیونیسم و در رأس آنها ارتباط با دین و تاریخ باشد، انجام شود. یک یهودی بر اساس دو خط آبی در پرچم رژیم صهیونیستی (فرات و نیل) بر این باور است که هر کاسه آب که یا از آسمان فرو می‌ریزد و یا در زمین باشد، حق توراتی اوست که نباید ضایع شود. از این رو از زمان تشکیل رژیم صهیونیستی، تلاش برای سلطه بر ثروت‌های منطقه و منابع آب آن هرگز متوقف نشده است. در نقشه‌هایی که از ابتدای این قرن توسط برنامه‌ریزان و طراحان آرمان صهیونیسم ترسیم شده، آب به وضوح و

تشکیل می‌دهند که ۱۸/۶ درصد آن فلسطینی هستند. تعداد جمعیت فلسطینی مقیم در بخش شرقی بیت‌المقدس که رژیم صهیونیستی آن را در سال ۱۹۶۷ به تصرف خود درآورد، بالغ بر دویست هزار نفر است. رشد طبیعی جمعیت یهودیان در رژیم صهیونیستی از ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۹ تقریباً ۱/۲ درصد و میزان رشد طبیعی غیریهودیان ۱/۹ درصد بوده است. پیش‌بینی جمعیت یهودیان برای سال ۲۰۱۰ شش میلیون و چهارصد و سه هزار نفر می‌باشد. (عبداللهی و زیبایی، صص ۷۶-۷۲)

آب‌های زیرزمینی در فلسطین اشغالی تأمین‌کننده ۶۰ درصد مصرف سالانه آب است. این سفره‌های زیرزمینی برای برنامه‌ریزان آب بسیار اهمیت دارند. آب‌های زیرزمینی که دو سوم منابع آب رژیم صهیونیستی را تشکیل می‌دهند، منابع طبیعی هستند که هر کدام از آنها "آکوئفر" نامیده می‌شوند. اهم این سفره‌ها عبارتند از: سفره‌های کوهستانی، سفره ساحلی. سفره کوهستانی که بستر آن از سنگ‌های آهکی تشکیل شده در امتداد رشته کوه‌های مرکزی این کشور قرار دارد. آب‌های این سفره که دو شاخه غربی و شرقی تشکیل می‌شود، از کیفیت بسیار مطلوبی برخوردار است و از مرغوب‌ترین نوع آب به‌شمار می‌رود (سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت، ص ۷۱). سفره ساحلی در کنار دریای مدیترانه قرار دارد که از شمال تا جنوب امتداد یافته و در برداشت آب از آن محدودیت شدید وجود دارد. در مجموع و در شرایط مطلوب میزان این آب‌ها در درون خط سبز و مناطق اشغالی ۱۰۵۰ میلیون متر مکعب تخمین زده می‌شود.

بخش مهم دیگری از نیازهای رژیم صهیونیستی به آب، از آب‌های سطحی رود اردن، رود یرموک، آب‌های روان و سیلاب‌ها که در مخازن متعدد بزرگ جمع‌آوری می‌شوند، تأمین می‌گردد. مهمترین منبع آب سطحی رژیم صهیونیستی حوزه رودخانه اردن و دریای جلیله است. ظرفیت ذخیره‌سازی عملی دریاچه جلیله فقط ۷۴۰-۷۰۰ میلیون متر مکعب است (دولتار و گری، ص ۲۳۳). آب این دریاچه به علت آلودگی‌های ناشی از مقادیر زیاد مواد آلی که از کشتزارهای دشت حوله سرازیر می‌شود و همچنین به علت اتصال برکه‌های فاضلاب همواره

قابل شرب نیست، بنابراین از آب این دریاچه عموماً برای آبیاری و کشت و زرع استفاده می‌شود. (سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت)

بدون شک این وضعیت، آب و تأمین منابع مطمئن آبی را در رژیم صهیونیستی یک از مؤلفه‌های مهم امنیتی این رژیم قرار داده است. مدیریت رژیم صهیونیستی بر آنها توانسته است آن رژیم را از بحرانهای کمبود آب برهاند، اما مشکلات کمبود آب همچنان باقی خواهد ماند و به سادگی قاب حل نیست. نیاز این رژیم به آب در سال ۲۰۲۵ به ۲/۵ میلیارد متر مکعب خواهد رسید. در بهترین شرایط و با فرض اینکه آبهای ورودی به این رژیم از کشورهای عربی همسایه و مناطق اشغالی را به حساب آوریم، مقدار آب قابل حصول به یک میلیارد و هشتصد میلیون متر مکعب می‌رسد که مشکل کمبود آب را حل نمی‌کند. بنابراین، رژیم صهیونیستی چاره‌ای جز وارد کردن و روی آوردن به روشهای جدید تأمین آب ندارد، که این امر گاهی از نظر امنیتی برای این رژیم مشکل‌زا خواهد بود و هزینه‌های هنگفتی را به آن تحمیل خواهد کرد. با توجه به اصل بنیادی تقدم امنیت که هر مسأله و موضوع مالی را یک مسأله امنیتی می‌داند، منابع آبی توسط این رژیم ملی اعلام شد و تأمین منابع آب در کانون امنیت ملی قرار گرفت. پیرو این اصل بنیادین، رژیم صهیونیستی که از همان ابتدای تشکیل با بحران کمبود تأمین منابع آبی که از طرفی ناشی از رشد بی‌رویه جمعیت و از طرف دیگر محدودیت در منابع آبی بود، استراتژیهای مشخصی را برای این امر خطیر اتخاذ نمود.

### ۳- ارکان استراتژی آب در رژیم اشغالگر قدس

صهیونیسم از ابتدا تاکنون استراتژی کلان و واحدی را درباره آب اتخاذ کرده است. این استراتژی مبتنی بر تأمین حداکثر منابع آبی برای رژیم صهیونیستی و در نهایت تأمین امنیت آب می‌باشد (کیوان‌حسینی، ص ۳۱). در مجموع استراتژی آب رژیم صهیونیستی از همان ابتدا بر سه رکن دیپلماتیک، حمایتی و نظامی استوار است که در نهایت به تأمین حداکثر منافع برای این رژیم منجر می‌شود. (افتخاری، ص ۱۱۱)

### ۳-۱- رکن دیپلماتیک استراتژی آب

اولین مراحل چانه‌زنی برای آب از سالهای اولیه مطرح شدن اسکان صهیونیستها در فلسطین آغاز شد (دولتیار، ص ۲). طرح کمیسیون پل، گزارش لویدز، طرح لاودرمیلک، طرح هایز و طرح بانگر از اقدامات دیپلماتیکی هستند که در این راستا صورت گرفته است. سیاست دعوت به مذاکره و سازش نیز از اقدامات دیگری است که اتخاذ گردید. رژیم صهیونیستی پس از یک دوره تهاجم و سلطه بر اراضی و منابع آبی اعراب در موقعیتی قرار گرفت که بیش از جنگ، صلح و مذاکره می‌توانست آن رژیم را در رسیدن به منابع آبی بیشتر یاری دهد (افتخاری، ۱۰۴). عوامل متعدد دست به دست هم داده، رژیم صهیونیستی را به اتخاذ سیاستهای سازش و مذاکره برای رسیدن به اهداف و استراتژی خود کشاندند. سیاست معامله و پنهان‌کاری هم روش دیگری در این سیاست بود. از این دیدگاه معامله‌گری سران صهیونیستی را در سیاست خارجی آنها می‌توان مشاهده کرد. چرچیل به هنگام وقوع جنگ جهانی دوم پس از مذاکراتی که با یهودیان داشت گفت: یهودیان رسماً از من خواستند جنوب لبنان که رودخانه لیطانی در آن قرار دارد، به فلسطین ضمیمه شده و در مقابل، امکانات یهودیان در خدمت متحدین قرار گیرد. نمونه دیگر این پنهان‌کاری نشست‌های مخفیانه شاه حسین و نتانیا هو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، بود. یاسر عرفات نیز طی نشست‌های محرمانه‌ای که با شیمون پرز داشت در نهایت موافقت‌نامه‌ای را در گذرگاه ایرتز در موضوع آب به امضا رساند که به موجب آن ۶۰ درصد از آب قناتهای موجود در کرانه باختری به رژیم صهیونیستی و بقیه به تشکیلات خود گردان تعلق می‌گرفت. (افتخاری، ص ۱۰۷)

### ۳-۲- رکن نظامی استراتژی آب

در این راستا، رژیم صهیونیستی برای تأمین امنیت آب و منابع آبی یهودیان هم از چهره‌عریان زور (جنگ) و هم از بعد پنهان آن (تهدید) بهره برده است. هسته اولیه این رژیم با جنگ بنیان نهاده شد و ادامه کسب منافع هم با جنگ همراه بود،

اما اعمال زور در سطح روابط بین‌المللی دارای محدودیت‌هایی است. بر این اساس در بسیاری از موارد از اهرم فشار و تهدید برای رسیدن به مقاصد خود استفاده کرده است. این سیاست، بویژه بر کشورهای عربی تأثیرگذار بوده است.

### ۳-۳- رکن حمایتی استراتژی آب

حمایت‌های خارجی و در درجه اول حمایت قدرتهای بزرگ جهانی از رژیم اشغالگر قدس نقش تعیین‌کننده‌ای را در تأمین منابع آبی این رژیم داشته است. در کنار دو رکن دیپلماتیک و نظامی حمایت‌های حقوقی، علمی، تبلیغی، رسانه‌ای، مالی و تخصصی نیز از این رژیم به عمل آمده است. (افتخاری، صص ۱۱۰-۱۰۷)

### راهکارهای دفاعی و امنیتی حل بحران آب در رژیم صهیونیستی

استراتژی‌های رژیم صهیونیستی منجر به رویکردهای دفاعی و امنیتی به منظور تأمین منابع مطمئن آب برای این رژیم گردید. با در نظر گرفتن وضعیت اقلیمی این رژیم که در دهه‌های گذشته بسیار بدتر شده، می‌توان گفت نسبت موجودیت آب با رشد جمعیت حالت معکوس داشته است. این نسبت بحران را همچنان ادامه خواهد داد. با این حال، رژیم صهیونیستی برای غلبه بر بحران آب از همان ابتدا رویکردهای کنترلی را با اتخاذ سیاست‌های داخلی، و جنگ و صلح را با اتخاذ سیاست‌های بین‌المللی در پیش گرفت. در اینجا به اختصار به آنها اشاره می‌شود.

#### ۱- نقش آب در منازعات اعراب و رژیم اشغالگر قدس

##### ۱-۱- درگیری مسلحانه ۱۹۵۳

با مهاجرت یهودیان به فلسطین، تقاضای آب بالا رفت. آب موجود برای برطرف کردن نیازها جدید کافی نبود. از این زمان به بعد، آب برای رژیم صهیونیستی و همسایگانش اهمیت بیشتری پیدا کرد و با تغییرات جمعیتی، امنیت، ناسیونالیسم، ایدئولوژی و توسعه پیوند خورد و به یکی از موضوعات اصلی سیاست خارجی اعراب و رژیم صهیونیستی تبدیل گردید (دولتیار، ص ۱).

طرح ابتکاری رژیم صهیونیستی، برای خشکاندن دریاچه حوله و اصلاح ۶۲۵۰ هکتار از زمینهای منطقه برای کشت از فوریه ۱۹۵۱ آغاز شد. این طرح به دلیل اینکه در منطقه غیرنظامی شده واقع گردیده بود، با مشکلات زیادی مواجه گردید زیرا بر اساس توافقات کمیسیون ترک مخاصمه ۱۹۴۹ سازمان ملل، رژیم صهیونیستی نمی‌توانست پروژه‌های توسعه را در سرزمین‌های مورد اختلاف دنبال نماید. در مقابل، سوریه به این کمیسیون شکایت کرد، اما رژیم صهیونیستی به این اعتراضات توجهی نکرد و دوباره عملیات خود را از سر گرفت. از این رو، اولین رویارویی نظامی عمده بین سوریه و رژیم صهیونیستی بر سر آب، در سال ۱۹۵۳ رخ داد. در دوم سپتامبر همین سال رژیم صهیونیستی احداث کانال قشر (گشر) بی‌ناب‌عاکورا در منطقه غیرنظامی سوریه - رژیم صهیونیستی آغاز کرد.

عملیات احداث کانال صهیونیستی قشر بی‌ناب‌عاکو، با حمایت تانکهای رژیم صهیونیستی اجرا شد. در حین انجام این پروژه نیروهای رژیم صهیونیستی و سوری با هم درگیر شدند و حتی بین تانکهای دو کشور تبادل آتش صورت گرفت. مقامات سوری اعتقاد داشتند که اقدامات رژیم صهیونیستی در این منطقه غیرقانونی است، بر این اساس سوریه نیروهای خود را در نواحی مرزی مستقر کرد و روی پروژه در حال احداث، کانال و نیز ماشین‌آلات خاکبرداری که در آنجا مشغول به کار بودند آتش گشود (مارتین، ص ۳۱۳). سوریه در اکتبر سال ۱۹۵۳ طی شکایتی به شورای امنیت سازمان ملل، اقدام رژیم صهیونیستی در برداشت از رودخانه اردن را تجاوز به حقوق اعراب ساکن منطقه غیرنظامی اعلام کرد. همچنین اعلام کرد انجام چنین اقداماتی توسط رژیم صهیونیستی این کشور را از رود اردن محروم می‌کند.

آمریکا با مشاهده اوضاع بحرانی منطقه، تصمیم به مداخله گرفت و ضمن تهدید رژیم صهیونیستی به قطع کمکهای مالی، آیزنهاور شخصی به نام اریک جانستون را به عنوان نماینده ویژه و فرستاده رئیس جمهور روانه منطقه کرد. مأموریت اصلی جانستون پیدا کردن راهی برای توسعه منابع آبی رود اردن بود.



وی با ظرافت خاصی از بحث در خصوص مبانی حقوق آب اجتناب کرد و به موفقیت‌های قابل توجهی در برقراری اشتراک نظر بین کارشناسان مسائل آب رژیم صهیونیستی، اردن، سوریه و لبنان دست یافت، اما در ایجاد یک سیستم حقوقی پایدار با شکست مواجه شد.

## ۱-۲- درگیری‌های سال ۱۹۶۵

با شکست مذاکرات جانستون، رژیم صهیونیستی و اردن یکجانبه اقدام به اجرای طرح‌های مدیریت آب کردند. در فوریه ۱۹۵۶، یک ماه پس از تصمیم اتحادیه عرب در نپذیرفتن طرح جانستون، طرح ملی انتقال آب رژیم صهیونیستی، که طرحی ده‌ساله و مبتنی بر همان طرح هفت‌ساله ۱۹۵۳ بود، برای انحراف قسمتهای بالایی آب رود اردن و انتقال آن با لوله و کانالها به صحرای نقب، تصویب شد. در سال ۱۹۵۷ اردن ساخت پروژه کانال غور شرقی را مبتنی بر طرح بانگر و برای آبیاری تپه‌های دره اردن بود، اعلام کرد.

اجرای عملیات پروژه ملی انتقال آب در رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۵۸ آغاز شد. مخالفت اعراب با ادامه ساخت پروژه ملی انتقال آب رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۵۹ شدت یافت و شکل عملی به خود گرفت. در این سال، ساخت پروژه رژیم صهیونیستی به خوبی پیش می‌رفت و رژیم صهیونیستی آن را در چارچوب طرح جانستون و استفاده از سهمیه خود تلقی می‌کرد، اما اعراب آن را تهدیدی برای امنیت اقتصادی کشورهای کنار حوزه رود اردن دانستند. از این رو در آگوست سال ۱۹۵۹ در عکس‌العملی، اتحادیه عرب یک کمیته فنی را برای کار در چارچوب مأموریت جانستون و ارائه پیشنهادات خود تعیین کرد، تا مقامات در چارچوب آن اقدام کنند. در نوامبر ۱۹۶۰، کمیته فنی طرح انحراف رودهای بانیا و حاصبانی قبل از رسیدن به سرزمین رژیم صهیونیستی را به اتحادیه عرب تسلیم کرد. با این طرح می‌خواستند که:

۱) اکثر آب حاصبانی را به وسیله ایجاد سد و تونل به رود بانیا منتقل کنند



و از آب باقی مانده برای آبیاری زمینهای حاشیه‌ای در لبنان استفاده شود.  
۲) آب بانیا س به سمت جنوب برای انتقال به رودخانه یرموک (در ضمن آبیاری بلندیهای جولان) منحرف می‌شد و اردن نیز از محاسن آن بهره‌برداری می‌کرد.

۳) طی این طرح ظرفیت سیستم کانال غور شرقی افزایش می‌یافت و کامل می‌شد. (روبر، ۱۲۷)

با وجود پذیرش این پیشنهادها در ژانویه ۱۹۶۱ توسط اتحادیه عرب، هیچ‌گونه اقدامی برای اجرای آن تا ژانویه ۱۹۶۴ صورت نگرفت. در این سالها، مشخصه رفتار سیاسی اعراب، مخالفت با اجرای طرح رژیم اشغالگر قدس بود، اما یک اقدام دسته‌جمعی عملی صورت نمی‌گرفت و اختلاف نظر سیاسی آنها بیشتر می‌شد. این وضعیت کاملاً به نفع رژیم صهیونیستی و به زیان اعراب تمام شد. در جهان عرب بعضی از کشورها بر یک اقدام عملی پافشاری می‌کردند. حزب بعث سوریه استدلال می‌کرد که در مقابل انحراف رود اردن، کشورهای عرب باید برای آزادی فلسطین اقدام عملی کنند. سایر دولتهای عرب به رهبری مصر با اقدام نظامی بر سر مسئله انحراف آب در این زمان مخالف بودند هرچند که خواهان شروع مجدد مذاکرات جانستون هم نبودند. مرحله بعدی مخالفت‌های جمعی اعراب در مقابل طرح رژیم صهیونیستی، تحت فشار سوریه و اردن، در سال ۱۹۶۴ شروع شد. در عین حال، مشاجرات اعراب به نفع رژیم صهیونیستی تمام شد و مهندسان رژیم صهیونیستی ساخت قسمت مرکزی پروژه ملی انتقال آب را با تسهیلات ۱۵ میلیون دلاری آمریکا ادامه دادند. در ژانویه ۱۹۶۴ سوریه و لبنان طرح جدیدی پیشنهاد کردند و سران اتحادیه عرب آن را در سپتامبر ۱۹۶۵ در اجلاس اسکندریه مورد تأیید و حمایت مالی قرار دادند. بر اساس این طرح یکسری کانالهایی در حوزه رود اردن احداث و مقداری از آب این رودخانه‌ها به مناطق خاصی در سوریه و لبنان انتقال می‌یافت. آبهای بانیا س در ارتفاعات جولان با کانالهایی به رود یرموک منتقل و

آب رود حاصبانی که از کوههای لبنان سرچشمه می‌گرفت، به سمت رود لیطانی در لبنان بازگردانده می‌شد. سوریه و لبنان از پیشنهاد چنین طرحهایی بیشتر اهداف خاص سیاسی را دنبال می‌کردند. این طرح یک اقدام تنبیهی و نوعی مقابله به مثل با رژیم صهیونیستی بود.

صهیونیست‌ها در مواقع مختلف با هرگونه طرحی از طرف اعراب که موجودیت آنان را به خطر انداخته و اخلاقی در ساخت طرح ملی انتقال آب به وجود می‌آورد، مقابله جدی می‌کردند. لوی اشکول، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، در بیستم ژانویه ۱۹۶۴ در پاسخ به سؤال نمایندگان پارلمان رژیم صهیونیستی گفت: طرح انحراف آب اعراب، هیچ قصدی جز صدمه زدن به اسرائیل و انکار حق موجودیت آن را ندارد. او به اعراب اخطار کرد که این کشور یکجانبه در مقابل تمام اقدامات دولتهای عربی خواهد ایستاد. پیرو نشست سران عرب در اسکندریه، رژیم صهیونیستی تصمیمات اعراب را به صورت مستقیم علیه موجودیت خود تلقی کرد و تمام تلاش خود را برای متوقف ساختن طرح اعراب که صدمه شدیدی به رژیم صهیونیستی می‌زد به کار برد. لوی اشکول دوباره به دولتهای عربی اخطار کرد که اسرائیل هر عملی را برای اطمینان از استمرار جریان آب اردن به سرزمینهای فلسطینی، انجام خواهد داد. رویارویی نظامی اجتناب‌ناپذیر در ماههای مارس، می و اوت ۱۹۶۵ به بالاترین حد خود رسید. البته درگیریهای محدودی در ۱۳ نوامبر ۱۹۶۴ بین نیروهای سوری و رژیم صهیونیستی در نزدیکی چشمه‌های دان صورت گرفته بود و سه نفر صهیونیست و هفت نفر سوری در این درگیریها کشته شدند. با این حال، اصل درگیریها در سال ۱۹۶۵ به وقوع پیوست. رژیم صهیونیستی با استفاده از تانک و حملات هوایی، تأسیسات لبنان و سوریه را مورد حمله قرار داد. این درگیریها به تابستان آن سال کشیده شد و به جبهه اردن نیز سرایت کرد. طرفین به تأسیسات در حال اجرای یکدیگر حمل می‌کردند، اما رژیم صهیونیستی شدت عمل زیادی به عمل آورد و تهدید کرد که دست به عملیات نظامی جدی در ... مد زد. علت آن این

بود که در طرح به‌طور بالقوه سهم رژیم صهیونیستی از آب رودخانه اردن تا حدود ۲۶۰ میلیون مترمکعب در سال، یعنی نصف سهم آب رژیم صهیونیستی از آب رود اردن را، کاهش می‌داد. (جی. مارتین، ص ۳۲۲)

### ۳-۱- جنگ شش روزه ژوئن ۱۹۶۷.

این تحولات و ادامه تحریکات در سال ۱۹۶۶، موجب وقوع جنگ شش روزه اعراب و رژیم صهیونیستی شد. با فشار رژیم صهیونیستی، سوریه و لبنان و اردن تعطیلی تأسیسات خود شده و اجرای طرح را جز کار بر روی غور شرقی در اردن کنار گذاشتند. اعراب نیز همچنان با ادامه طرح ملی انتقال آب رژیم صهیونیستی مخالف بودند. سوریه خواستار جنگ آزادی‌بخش شد ولی مصر آن را یک عمل نابخردانه می‌دانست. ادامه رویارویی‌های نظامی در مرز شمالی به ۱۹۶۶ رسید. در تمام این دوره گروه الفتح و سایر گروه‌های فلسطینی به‌طور معمول از خاک سوریه به رژیم صهیونیستی حمله می‌کردند، تا جایی که رزمندگان الفتح به تنهایی ۳۹ عملیات در خاک فلسطین انجام دادند. در تابستان ۱۹۶۶ سوریه مجدداً عملیات مربوط به انحراف رودها را از سر گرفت و تجهیزات زیادی را برای این کار در اطراف باناس فراهم ساخت. در ۱۴ ژوئیه ۱۹۶۶ رژیم صهیونیستی به ساختمانها و کارگاههای سوریه با توپخانه و هواپیماهای جنگی حمله کرد. در نوامبر همان سال پای اردن نیز به نبرد کشیده شد. در آوریل ۱۹۶۷ نبرد هوایی دیگری بین رژیم صهیونیستی و سوریه رخ داد که ۶ فروند جنگنده میگ، سوریه سرنگون شد. رژیم صهیونیستی حمله ۱۴ جولای را پاسخی به عملیاتهای چریکی تلقی کرد، اما سوریه پس از اعتراض، آن را ناقض حاکمیت خود دانست.

در ژوئن ۱۹۶۷، جنگ تمام عیار بین مصر و رژیم صهیونیستی، شعله‌ور شد. ناف و ماتسون نوشته‌اند: برخی می‌گویند درگیریهای مربوط به منابع آبی منجر به جنگ ژوئن ۱۹۶۷ گردید. جان بلوچ و عادل درویش، معتقدند علت اصلی جنگ

کوتاه ۱۹۶۷ تنشهای قبلی اعراب و رژیم صهیونیستی بر سر آب بود. به نظر این دو در واقع طرح اعراب برای تغییر مسیر ناحیه علیای رود اردن جنگ بین سوریه و رژیم صهیونیستی را باعث شد. در این جنگ رژیم صهیونیستی به حمله پیشگیرانه علیه سوریه و متحد آن مصر مبادرت کرد. تصمیم شاه اردن به مداخله در جنگ، دست رژیم صهیونیستی را برای حمله به اردن بازگذاشت و از آن پس رژیم صهیونیستی بر کرانه غربی رود اردن مسلط شد (کاظمی، ص ۶۰۲). آریل شارون وزیر دفاع وقت رژیم صهیونیستی بعد توضیح داد که مردم عموماً ۵ ژوئن ۱۹۶۷ را به عنوان شروع جنگ شش روزه تلقی می‌کنند، این تاریخ رسمی آن است، در حقیقت این جنگ ۲/۵ سال زودتر شروع شد. روزی که رژیم صهیونیستی تصمیم گرفت علیه انحرافهای آبهای رود اردن وارد عمل شود (دولتیار و گری، ص ۳). سخنان شارون، تفسیر جدیدی از اعلامیه بن‌گوریون بود که گفت یهود و اعراب باید بر سر آب نبرد کنند، آینده فلسطینی‌ها را نتیجه منطقی این نبرد تعیین خواهد کرد. جنگ شش‌روزه سیاستهای موجود در حوزه رود اردن را به کلی تغییر داد. در این جنگ تمام چشمه‌ها و ریزآبه‌های رود اردن به کنترل رژیم صهیونیستی درآمد و سهم رژیم صهیونیستی از رودخانه یرموک افزایش یافت. (دولتیار، همان)

#### ۴-۱- جنگ آب در لبنان

الف) تجاوز ۱۹۷۹ : تجاوز ۱۹۷۹ رژیم صهیونیستی به خاک لبنان که به عملیات لیطانی مشهور است، به اشغال بخشی از جنوب لبنان و قسمتی از بقاع غربی واقع در سرحدات جنوب تا رودخانه لیطانی انجامید. یکی از اهداف عمده رژیم صهیونیستی از این اقدام اشراف بر مسیر رودخانه لیطانی بود، اگرچه برای آن بهانه‌های امنیتی می‌تراشید. رژیم صهیونیستی اعلام می‌کرد به محض تحقق شرایط امنیتی ویژه، این منطقه را تخلیه خواهد کرد. استقرار قابل تأمل ارتش رژیم اشغالگر قدس در مناطق خاصی، رژیم صهیونیستی را قادر می‌ساخت مجرای رودخانه لیطانی را به سوی رژیم صهیونیستی تغییر دهد. (فغانی، ص ۱۶۸)

ب) تجاوز ۱۹۸۲: هجوم رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان در اوایل دهه ۱۹۸۰، سیاست هیدرولوژیکی خودش را تحمیل می‌کرد. با اشغال جنوب لبنان، رژیم صهیونیستی برای رسیدن به اهداف اعلام شده قبلی سیاست محاصره منابع آبی و احداث تأسیسات را در پیش گرفت. بر همین اساس، بعد از سال ۱۹۸۲ رژیم صهیونیستی به احداث تجهیزات پمپاژ آب در نزدیکی پل خردلی پرداخت، تا بتواند سالانه ۱۵۰ میلیون مترمکعب آب به داخل سرزمینهای اشغالی پمپاژ کند. نزدیک بودن این رود به مرزهای آن کشور، اجازه داد تا رژیم صهیونیستی طرح آبیاری بالغ بر ۲۵ هزار هکتار زمینهای کشاورزی را که به حدود یک میلیون مهاجر جدید اختصاص داشت، اجرا کند. بنابراین استراتژی رژیم صهیونیستی برای تأمین نیاز خود به آب از طریق ارزیابی دقیق منابع موجود و نیازها، طبق یک خطمشی مشخص توسعه و پس از آن توسل به زور برای غصب شمار بیشتری از منابع مورد نیاز از طریق الحاق سرزمینهای عربی به خود استوار است. (احمد منو)

## ۲- نقش آب در روند صلح اعراب و رژیم اشغالگر قدس

استراتژی آبی رژیم صهیونیستی در مراحل مختلف بر تأمین منابع آبی و امنیت آن از روشهای مسالمت‌آمیز و غیر مسالمت‌آمیز استوار بوده است. سیاست اعراب تا اواسط دهه هفتاد، نابودی رژیم صهیونیستی را هدف قرار داده بود. با استمرار پیروزی‌های نظامی رژیم صهیونیستی و کسب توانایی‌های داخلی و پشتوانه‌های عمده بین‌المللی و متقابلاً احساس ضعف اعراب و ضعف نسبی عوامل بین‌المللی مورد اتکای آنان، سیاست اعراب دچار تحول شد و به سمت قبول موجودیت رژیم صهیونیستی و دست‌نزدی با آن تغییر یافت. در واقع، در این چرخش، رژیم صهیونیستی از طرف دیگر، رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت و به دنبال صلح با آن شد که ادوات سیاست‌های

در این جنگ اعراب به دنبال باز پس‌گیری سرزمین‌های خود و نه هدف دیگری، بودند. انعقاد معاهده کمپ دیوید در سال ۱۹۷۹ اولین نتیجه این سیاست بود. حقیقت آن است که رژیم صهیونیستی دو مقوله جنگ و صلح را از یک منظر تفسیر می‌کند و بدون رسیدن به اهداف مورد نظرش در زمینه آب، تن به جنگ یا امضای قرارداد صلح نمی‌دهد. آرتور روبین به همین مسأله اشاره دارد و می‌نویسد صلح از دیدگاه صهیونیسم تنها زمانی در منطقه تحقق خواهد یافت، که با گرسنه نگه داشتن و تصرف منابع آبی توأم باشد (افتخاری، ص ۱۷۳). سیاست منطقه‌ای کردن بحران آب در خاورمیانه توسط رژیم صهیونیستی، ترکیه را به شدت درگیر مسأله آب کرد. از طرفی رژیم صهیونیستی برای آبهای ترکیه نقشه دراز مدت داشت که ظاهراً در قالب واردات آب دنبال می‌شد و بعد از جنگ دوم خلیج فارس، به سیاست منطقه‌ای کردن انجامید. (ترکیه و بحران منطقه‌ای آب، ص ۲۸۲)

#### ۱-۲- مذاکرات چندجانبه صلح

روند صلح خاورمیانه با کنفرانس مادرید در سال ۱۹۹۱ آغاز شد. بنیانگذاران آن برای تسهیل در پیشرفت صلح، مذاکرات دوجانبه و چندجانبه‌ای را پیش‌بینی کردند. مذاکرات چندجانبه به موضوعات مطرح برای آینده منطقه خاورمیانه و این کشورها اختصاص یافت. برای پیشرفت در مذاکرات چندجانبه پنج گروه کاری مشترک پیرامون منابع آب، محیط زیست، پناهندگان، کنترل تسلیحات و توسعه اقتصادی بوجود آمد. (روبر، ص ۱۹۶)

#### ۲-۲- گروه کاری چندجانبه منابع آب

یکی از گروه‌های کاری در مذاکرات صلح، گروه کاری چندجانبه مربوط به منابع آبی بود. پی‌گیری و سازماندهی این مذاکرات بعد از کنفرانس مادرید در ژانویه ۱۹۹۲ در مسکو صورت گرفت. دور بعدی گفتگوها در وین (می ۱۹۹۲) واشنگتن (سپتامبر ۱۹۹۲)، ژنو (آوریل ۱۹۹۳)، پکن (اکتبر ۱۹۹۳)، مسقط (۱۹۹۴)

و آتن (نوامبر ۱۹۹۴) برگزار شد. در واقع تا اواخر سال ۱۹۹۶ نه نشست رسمی برگزار گردید (لونرگان و بروکس، ص ۱۱۱). نشست مسکو بیشتر به سازماندهی گروههای کاری اختصاص یافت. با وجود اختلافات اساسی بین نمایندگان گروه کاری منابع آب، استراتژی افزایش و مدیریت عرضه آب منطقه پیشنهاد گردید. در دور دوم نشستها در وین در سال ۱۹۹۲ گروه کاری آب چهار مسئله اصلی را برای مذاکرات و همکاریهای قابل انجام پیشنهاد کرد (۱) افزایش اطلاعات قابل دسترسی، (۲) مدیریت و نگهداری آب، (۳) افزایش عرصه (تولید) آب، (۴) ایجاد تصویری کلی از همکاریها و مدیریت منطقه‌ای.

ایجاد مرکز تحقیقات نمک‌زدایی آبهای شور، از طرحهایی بود که در نشست آوریل ۱۹۹۴ در مسقط پایتخت عمان مطرح شد. این طرح با سرمایه‌گذاری مشترک آمریکا و عمان به مبلغ ۶ میلیون دلار به ثمر نشست و توسط آلمان هدایت شد. آلمانی‌ها معتقد بودند براساس مطالعات، عرضه و تقاضای آب منشأ منازعات می‌باشد. از این‌رو از راه‌های رفع کمبود آب، شیرین کردن آبهای دریا خواهد بود.

### ۲-۳- مذاکرات و قراردادهای دوجانبه

#### ۲-۳-۱- مذاکرات رژیم صهیونیستی و فلسطینی‌ها

در تاریخ روابط بین صهیونیست‌ها و فلسطینی‌ها، آب مشکلات عدیده‌ای را به وجود آورده و همچنان به وجود خواهد آورد. بسیاری از محققان و نویسندگان خاورمیانه معتقدند، این آب است که آینده صلح و امنیت منطقه را تعیین می‌کند. در تمام مراحل و اشکال مختلف مذاکرات صورت گرفته، مسأله آب موضوع محوری مباحثات بوده است (روبرو، ص ۱۷۷). محور اصلی مذاکرات صلح خاورمیانه فلسطینی‌ها و رژیم صهیونیستی هستند. این مذاکرات وضعیت هیدرولوژیکی رژیم صهیونیستی را تغییر داد.

قرارداد اسلو ۱ دارای چهار پروتکل و پنج تبصره ویژه می‌باشد. پیوست سوم آن پروتکل همکاری رژیم صهیونیستی - فلسطینی درباره برنامه‌های اقتصادی و



توسعه است که در آن هر دو طرف به تشکیل کمیته دائمی همکاری اقتصادی رژیم صهیونیستی - فلسطینی موافقت می‌کنند. براساس این توافق، فعالیت‌های این کمیته در ۱۲ بند متمرکز است که بند اول آن به همکاری در زمینه آب مربوط است. طرح مشتمل بر توسعه منابع آبی و اداره آن منابع در کرانه باختری و نوار غزه است. همچنین متضمن پیشنهادهایی در بررسی و تدوین حقوق آبی هر دو طرف و استفاده عادلانه از منابع مشترک در مرحله انتقالی و بعد از آن است. در پیوست چهارم نیز بر تدوین طرح مشترک رژیم صهیونیستی - فلسطینی - اردنی برای هماهنگی در بهره‌برداری از منطقه بحرالمیت، دریای مدیترانه، آبراه بحرالمیت، و طرح تأسیسات آب شیرین‌کن و طرح‌های دیگر برای توسعه منابع آبی است. (سلیمانی، صص ۳۴۸ - ۳۴۶)

قرارداد اسلو ۲ (معروف به قرارداد طابا) در ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۵ پس از هشت دور گفتگوهای مداوم و پی‌گیر در منطقه طابا در مرز رژیم صهیونیستی و مصر، به امضای فلسطینی‌ها و رژیم صهیونیستی رسید. در توافق‌نامه صلح طابا، بندی درباره چگونگی توزیع آب و سایر مسائل مربوط به آن در نوار غزه و کرانه باختری وجود دارد. با این وجود، روابط دو طرح پیرامون آب همچنان با تنش و خصومت همراه است. تشکیلات خودگردان از کمبود آب بسیار رنج می‌برد و تلاش کمیته چند ملیتی هم نتوانسته است راه حلی را به دو طرف بقبولاند (نداءالقدس، شماره ۵۱). ماده ۴۰ پیوست سوم قرارداد موقت اسلو ۲ (طابا) آب و فاضلاب است که دارای ۲۵ بند و چند جدول زمان‌بندی اجرایی می‌باشد. در ماده چهلیم موضوعات اصول کلی، نقل و انتقال قدرت، آبهای اضافی، کمیته مشترک آب، نظرات بر روند اجرای خرید و فروش آب، همکاری متقابل، نگهداری و حفاظت از منابع طبیعی و سیستم‌های آب و فاضلاب و بالاخره بحث نوار غزه گنجانده شده است. در بندهای ۱ تا ۳ که به اصول کلی مربوط است رژیم صهیونیستی حقوق آب فلسطینی‌ها را به رسمیت می‌شناسد (در حد شعار) و طرفین ضرورت توسعه منابع آبی موجود را پذیرفته و در حیظه مسئولیت‌ها در

سرزمین‌های خود پاسخگو هستند. دو طرف موافقت می‌کنند که یک سیستم مدیریتی هماهنگ برای آب و فاضلاب کرانه غربی در زمان اجرای پیمان موقت براساس اصول زیر ایجاد کنند: (۱) حفظ میزان مصرف، (۲) جلوگیری از بدتر شدن منابع آب، (۳) استفاده از منابع آب در حد قابل تحمل، (۴) اتخاذ اقدامات پی‌گیرانه برای جلوگیری از صدمه زدن به سیستم‌های منابع آب، (۵) تصفیه و استفاده مجدد از آبهای کشاورزی، صنعتی و خانگی، (۶) ایجاد و توسعه سیستم‌های فاضلاب.

طبق بندهای چهارم و پنجم، اداره کلیه امور ذکر شده در این قرارداد به غیر از آن چیزی که حل و فصل آن به قرارداد نهایی موقوف شده است، به فلسطینی‌ها واگذار می‌شود و مالکیت بر شالوده‌های آب و فاضلاب همچنان در اختیار رژیم صهیونیستی باقی می‌ماند. بخش سوم درباره موضوع آبهای اضافه است که همیشه مورد علاقه رژیم صهیونیستی بوده است. بندهای ششم تا دهم به این بحث اختصاص یافته است. طبق توافق طرفین نیاز فلسطینی‌ها به آب بین ۷۰ تا ۸۰ میلیون مترمکعب برآورد می‌شود. برای رفع نیازهای فوری به آب شیرین در دوره قرارداد موقت، رژیم صهیونیستی سالانه ۲۸/۶ میلیون متر مکعب آب اضافی در اختیار فلسطینی‌ها قرار می‌دهد و به شورای اجرایی این مواد کمک می‌کند تا اطلاعات مربوطه را به دست آورده و مناطق مناسب را برای حفر چاه تعیین کنند. وظایف کمیته مشترک آب در بندهای ۱۱ تا ۱۷ مشخص شده است. این کمیته برای اجرای بندهای ماده چهارم، پیوست سوم، به صورت دائم ایجاد می‌گردد. این کمیته باید مدیریت هماهنگی منابع و سیستم‌های آب و فاضلاب، حفاظت از این منابع و سیستم‌ها و مبادله اطلاعات مربوطه و در نهایت نظارت و سرپرستی را بر عهده بگیرد. علاوه بر این وظایف، منازعات مربوط به آب را حل و فصل کرده و به عرضه آب انتظام بخشد. اعضای کمیته به صورت مساوی از متخصصان آب دو طرف تعیین و تصمیمات به صورت اجماع اتخاذ می‌گردد. بندهای هجدهم و نوزدهم به نظارت و مکانیزم اجرا مربوط است که در کرانه

باختری به عهده طرفین می‌باشد و قواعد آن را کمیته مشترک آب تعیین می‌کند. براساس این دو بند، طرفین می‌توانند آب مورد نیاز بیشتری را خریداری کنند. همکاری دوجانبه موضوع بند بیستم است. طبق این بند دو طرف در زمینه‌های زیر همکاری می‌کنند: ۱- همکاری در چارچوب روابط فلسطینی - صهیونیستی در کمیته‌های همکاری اقتصادی، ۲- همکاری در برنامه‌های توسعه منطقه‌ای، ۳- همکاری در کمیته‌های مشترک رژیم صهیونیستی - فلسطینی - آمریکایی برای تولید آب و پروژه‌های توسعه، ۴- همکاری در زمینه تکنولوژی نقل و انتقال آب، تحقق و توسعه و آموزش، ۵- همکاری در توسعه سازوکارهایی برای خرید و فروش آب در شرایط ضروری و غیرعادی، ۶- همکاری در مبادله اطلاعات مربوط به آب و فاضلاب قابل دسترس.

طبق بندهای ۲۱ تا ۲۴ که مخصوص حفاظت و نگهداری منابع آب و فاضلاب است، طرفین متعهد می‌شوند که اقدامات لازم را برای جلوگیری از صدمات شدید، آلودگی آبها و بدتر شدن کیفیت منابع آب اتخاذ کرده و حفاظت‌های فیزیکی را از منابع و سیستم‌های خود به عمل آورند و ضمن جلوگیری از آلوده شدن منابع طرف مقابل، هزینه‌ها و یا خسارت‌های هرگونه استفاده غیرمجاز از آب، خرابکاری در سیستم‌های آب و فاضلاب را که در منطقه مسئولیت آنها واقع شده بپردازند. در پایان بند ۲۵ اشعار می‌دارد که توافق موجود و نظم و ترتیب اتخاذ شده شامل نوار غزه هم می‌شود، که تفصیل آن در جدول زمان‌بندی اجرایی شماره ۱۱ آمده است. (شامیر، صص ۲۹۲-۲۸۹)

حل سیاسی دائم منازعه فلسطین و رژیم صهیونیستی بر سر آب به حل مسئله حقوق آب بستگی دارد. دلیل این مدعا آن است که در مذاکرات انتقال اختیارات (اسلو ۱ و اسلو ۲) توافقی درباره تقسیم آبها حاصل نشد و این مسئله به گفتگوهای مرحله نهایی که گمان می‌رفت در سال ۲۰۰۰ به پایان برسد، موقوف شد (سید پاسین و آخرون، ص ۳۳۱). از سال ۲۰۰۰ به بعد نیز این مسئله به جایی نرسید و همچنان مشکل آب باقی است.

## ۲-۳-۲- مذاکرات رژیم صهیونیستی و سوریه

احساس انزوای سیاسی در پی فروپاشی بلوک شرق و اتحاد جماهیر شوروی، حافظ اسد، رئیس جمهوری سوریه را واداشت که برای خروج از آن و تحقق منافع ملی و اهداف منطقه‌ای به آمریکا نزدیک شود. اسد از موقعیت پیش آمده در منطقه و حمله صدام به کویت استفاده کرد و سوریه را از انزوای سیاسی نجات داد. روزنامه البعث ارگان حزب بعث سوریه شرایط این کشور برای صلح با رژیم صهیونیستی را این‌گونه اعلام کرد:

- ۱- بازگرداندن کامل بلندی‌های جولان و عقب‌نشینی تا مناطقی که این رژیم پیش از پنجم ژوئن ۱۹۶۷ در آن قرار داشت و مرز رسمی بین دو کشور وسط دریاچه جلیله (طبریا) می‌باشد؛
- ۲- عدم حضور رژیم صهیونیستی در خاک سوریه؛
- ۳- مساوی بودن ترتیبات امنیتی در دو طرف مرز؛
- ۴- عقب‌نشینی کامل از جنوب لبنان. (سلیمانی، ص ۷۷)

رویکرد سوریه به شرکت در مذاکرات صلح برای دستیابی به بلندی‌های جولان، برقراری تعادل استراتژیک در منطقه و رهایی از هزینه‌های سنگین نظامی، در نتیجه رویارویی در خط مقدم جبهه با رژیم صهیونیستی و دستیابی به منابع آبی مهم جولان و در نتیجه، رهایی از بحران کم آبی و آسوده‌خاطر شدن از تهدیدهای ترکیه مبنی بر قطع جریان آب فرات از اهداف اصلی سوریه بود (سلیمانی، ص ۷۶). در راستای مقابله با تهدیدات ترکیه، سوریه و عراق دریافته بودند که فاقد توان لازم برای جلوگیری از سیاست‌های آبی ترکیه می‌باشند. از این‌رو سوریه مذاکرات صلح خاورمیانه را ابزار مناسبی برای تأثیر بر سیاست خارجی ترکیه از طریق ایالات متحده می‌دانست. در این راه، از آغاز کنفرانس صلح مادرید، سوریه تلاش کرد از مانور دادن بیشتر ترکیه و رژیم صهیونیستی بر سر کنترل منابع آبی، در حین مذاکرات بکاهد (وایی و برمن، ص ۸). مذاکرات دوجانبه سوریه و صهیونیست‌ها بعد از کنفرانس صلح مادرید با تأخیر شروع شد. در این

مذکرات در سال ۱۹۹۳ سوریه اظهار داشت به طور جدی اهتمام به صلح دارد، ولی پیش شرط انعقاد صلح با رژیم صهیونیستی برگرداندن تمامی بلندیهای جولان و قسمتی از دریاچه جلیله است. لازمه اجابت درخواست سوریه، دسترسی این کشور به بالادست حوزه رود اردن است که حدود ۴۰ درصد آب رژیم صهیونیستی را تأمین می‌کند. دسترسی به این هدف سوریه را شریک آب رژیم صهیونیستی می‌سازد. از این‌رو، در نگاه سوریه آب فقط یک کالای مصرفی نیست، بلکه کالایی استراتژیک برای سیاستمداران در ایجاد توازن قدرت مورد نظرشان است. علاوه براین، سوریه در صدد است تا رژیم صهیونیستی را وادار کند تا کنترل رود اردن در جنوب دریاچه جلیله را به دولت خودگردان بسپارد. در این صورت، دولت خودگردان خواستار استفاده مشترک اردن - رژیم صهیونیستی و فلسطین از آب دریاچه می‌شد که این امر به ضرر رژیم صهیونیستی است. در سال ۲۰۰۰ میلادی نیز در گفتگوهای صلح خاورمیانه تحت حمایت آمریکا در شفرستون در غرب ویرجینیا برگزار شد. این دور از مذاکرات در پی وقفه‌ای بود که از سال ۱۹۹۶ به بعد ایجاد شده بود. در سال ۱۹۹۵ سوری‌ها مذاکرات را بدون نتیجه ارزیابی کردند. سرلشکر مصطفی طلال، معاون نخست وزیر و وزیر دفاع سوریه، در سوم آگوست ۱۹۹۵ گفت رژیم صهیونیستی صلح نمی‌خواهد، در این مذاکرات با ما بازی می‌کند. این روند دلسردی سوری‌ها و لبنانی‌ها و در نتیجه تعویق مذاکرات را در پی داشت. دور بعدی مذاکرات در سال ۲۰۰۰، در بالاترین سطح بین حافظ اسد و کلیتون در آمریکا برگزار شد. در این مذاکرات، اسد همچنان بر کنترل منابع آبی جولان و دستیابی به دریاچه جلیله اصرار کرد. این پافشاری باعث شکست این دور از مذاکرات شد. جانشین او بشار اسد نیز مشابه نظرات او را ابراز داشته است. او گفت سوریه نمی‌تواند از حقوق خودش نسبت به شمال شرقی دریاچه جلیله چشم‌پوشی کند. (وایی و برمن، ص ۸)

عوامل و دلایل بازدارنده متعددی برای عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی از

بلندی‌های جولان وجود دارد. بلندی‌های جولان علاوه بر اهمیت استراتژیکی، به رژیم صهیونیستی عمق استراتژیک بخشیده، از نظر تأمین منابع آبی نیز برای این رژیم بسیار حیاتی است. به همین خاطر مذاکرات با طرف سوری دارای حساسیت خاص بوده و به سادگی مذاکره طرف‌های اردنی و فلسطینی نیست. این مناطق برای هر دو طرف دارای جایگاه ویژه‌ای است که در مذاکرات صلح سرسختی زیادی از خود نشان داده‌اند.

### ۳-۲- مذاکرات رژیم صهیونیستی و اردن

مذاکرات صلح اردن - رژیم صهیونیستی، ابتدا در اسلو سپس در واشنگتن و مرحله آخر در منطقه پی‌گیری شد. این جلسات همزمان با مذاکرات دوجانبه فلسطینی‌ها انجام می‌شد. این مذاکرات یک ساله بعد از توافق ۱۹۹۳ فلسطینی‌ها با رژیم صهیونیستی (در سال ۱۹۹۴) به ثمر نشست. توافق بر سر آب، یکی از موضوعاتی بود که در تمام ۹ نشست قبلی در مذاکرات صلح اردن - رژیم صهیونیستی صورت گرفت. ماده ششم و پیوست دوم ضمیمه قرارداد ۱۹۹۴ مذاکرات صلح اردن - رژیم صهیونیستی به آب مربوط است. ماده ششم به منظور حل و فصل کامل و خاتمه اختلافات طرفین در مسئله آب اشعار می‌دارد:

۱- طرفین متقابلاً توافق کردند که سهم عادلانه دیگری را از آبهای رود اردن و یرموک و سفره‌های آب زیرزمینی وادی عربا - هاعرفا، براساس اصول مورد قبول و توافق طرفین به مقدار و کیفیت مندرج در ضمیمه دوم که کاملاً معتبر و قابل اجرا است، مورد شناسایی قرار دهند.

۲- طرفین با اذعان به یافتن راه حل عملی، عادلانه و مورد توافق برای مشکل آب خود، با توجه به اینکه آب می‌تواند زمینه لازم را برای گسترش همکاری بین آنها فراهم آورد، متقابلاً متعهد می‌شوند که مراکز تنظیم و توسعه منابع آب هر یک از آنها به هیچ‌وجه به منابع آبی طرف دیگر آسیبی نرساند.

- ۳- طرفین تصدیق می‌کنند که منابع آب آنها برای رفع نیازشان کافی نیست، براین اساس برای تأمین آب بیشتر باید راه‌های گوناگون از جمله طرح‌های منطقه‌ای و همکاری‌های بین‌المللی را مورد استفاده قرار دهند.
- ۴- با توجه به پاراگراف سوم، طرفین برای رفع کمبود آب در زمینه‌های زیر همکاری خواهند کرد: الف) توسعه منابع موجود و جدید آب، یعنی افزایش آبهای موجود از طریق همکاری در زمینه منابع آب منطقه‌ای به نحو مقتضی و کاهش میزان هز رفتن آب در حین مصرف؛ ب) جلوگیری از آلوده شدن منابع آب؛ ج) کمک متقابل جهت برطرف ساختن کمبود آب؛ د) مبادله اطلاعات و تحقیق و توسعه مشترک در زمینه موضوعات آبی و بررسی ظرفیت‌های موجود برای افزایش و استفاده از منابع آبی.
- ۵- کیفیت اجرای تعهدات دو طرف در این ماده در پیوست شماره دوم به تفصیل آمده است. (شامیر، ص ۲۸۴)

### ۳- سیاست‌های کنترلی و خط‌مشی‌های توسعه منابع آب

#### ۳-۱- اقدامات داخلی (داخل خط سبز و مناطق اشغالی)

رژیم صهیونیستی از بدو تأسیس بلافاصله تمام منابع آبی کشور را ملی اعلام کرد و به اجرای پروژه‌های توسعه و بهره‌برداری از آب پرداخت. یکی از تدابیر داخلی رژیم صهیونیستی در سیاست‌های آبی خود ایجاد پروژه ملی انتقال آب از شمال به جنوب و شهرهای ساحلی این کشور است (الهانس، صص ۱۱۵-۱۱۴). این رژیم برای رسیدن به اهداف داخلی خود یعنی برنامه‌ریزی‌ها، نگهداری از تأسیسات و شبکه‌های توزیع، ایجاد سدها، سهمیه‌بندی و قیمت‌گذاری آب اقدام به تأسیس یک کمیته تخصصی برای بهره‌برداری از آب کرد. در کنار آن، دو شرکت تاهال و مکوروت را برای رسیدن به اهداف خود ایجاد کرد. شرکت تاهال، که تحت حمایت آژانس یهود و صندوق ملی یهود قرار دارد، به عنوان



مسئول برنامه‌ریزی آب در رژیم صهیونیستی فعالیت می‌کند. شرکت مکوروت مسئول عملیات حفظ و نگهداری از شبکه آبرسانی ملی و توزیع آب است. (کیوان‌حسینی، ص ۳۳)

در مناطق اشغالی رژیم صهیونیستی با صدور دستورالعمل نظامی شماره ۱۵۸ مورخ ۳۰ اکتبر ۱۹۶۷ برای حفر چاه‌های جدید، عمیق‌تر و مرمت چاه‌ها بدون کسب اجازه، محدودیت قائل شد و در واقع آنها را ممنوع کرد. بند الف از ماده چهار این دستورالعمل مقرر داشت که؛ هیچ‌کس حق ندارد بدون کسب مجوز از فرمانده منطقه اقدام به استقرار، ایجاد، تملیک یا راه‌اندازی تأسیسات آب نماید (مؤسسه مطالعات استراتژیک لندن، ص ۳۰). در تخصیص آب شرب برای صهیونیست‌ها و فلسطینی‌های ساکن کرانه باختری تبعیض وجود داشت. رژیم صهیونیستی برای اعمال سیاست‌های آبی، نصب کنتور بر روی تمام چاه‌ها را برای ایجاد محدودیت و کنترل آب مصرفی فلسطینی‌ها اجباری کرد. فلسطینی‌ها در عرصه بهره‌برداری آب کشاورزی نیز دچار محدودیت شدند. یکی از این محدودیت‌ها، ممنوعیت کاشت درختان میوه در کرانه باختری بدون گرفتن مجوز بود. علاوه بر اینها، فلسطینی‌ها در کرانه غربی اجازه نداشتند بعد از ساعت چهار بعد از ظهر از آب برای کشاورزی استفاده کنند.

اعمال سیاست‌های تبعیض‌آمیز فقط درامکان دسترسی به آب نبود، این تبعیض در نظام قیمت‌گذاری نسبت به فلسطینی‌ها نیز اعمال شد. به نقل از پروژه پایگاه اطلاعاتی کرانه باختری، سازمان صهیونیست جهانی سوسید قابل ملاحظه‌ای را برای هزینه‌های آب یهودیان قایل می‌شود. ساکنان آبادی‌های یهودی‌نشین فقط ۱۵ تا ۲۳ درصد شیگل (NIS) پرداخت می‌کند که چیزی کمتر از ۱۵ سنت برای هر متر مکعب آب می‌باشد، در حالی که فلسطینی‌ها ۷۰ درصد شیگل برابر با ۳۵ سنت، برای آبی که شرکت مکوروت در اختیار آنان می‌گذاشت، می‌پرداختند و بین ۱ تا ۱/۶ شیگل برابر ۵۰ تا ۸۰ سنت، برای آبی که به وسیله شرکت‌های خصوصی عربی ارائه می‌شد، پرداخت می‌کردند (مؤسسه

مطالعات استراتژیک لندن، ص ۳۱). سیاست‌های رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی برای اعراب نتایج مخربی را بر جای گذاشته است. روند معکوس توسعه و وابستگی فزاینده به سازمانهای اقتصادی خارجی ناشی از سیاستهای تحمیل شده، از مهمترین نتایج مخرب این سیاستها می‌باشد. سیاستهای آبی رژیم صهیونیستی در کرانه غربی و نوار غزه باعث رشد بحران‌های بهداشتی در این سرزمین‌های نیز شده است. (روبرو، ص ۶۶)

#### سیاستهای دراز مدت

در دهه ۱۹۹۰ یک اصل مهم در سیاست آب رژیم صهیونیستی، کاهش تدریجی کشاورزی مبتنی بر آبیاری همراه با تغییر در الگوی کشت محصولات و پرهیز از کاشتن فرآورده‌هایی مانند پنبه و مرکبات بود که نیاز به مقادیر زیادی آب داشتند، زیرا آب به عنوان یک منبع تولید در بخش کشاورزی مقرون به صرفه نبوده است. از دهه ۹۰ به بعد، سیاست قیمت‌گذاری تصاعدی برای آب اتخاذ شده است (مؤسسه مطالعات استراتژیک لندن، ص ۲۷). براساس آمار سال ۱۹۹۵ رژیم صهیونیستی، جمعیت ساکن در فلسطین اشغالی ۵/۶۱۹/۰۰۰ نفر بوده است. در طرح دراز مدت رژیم صهیونیستی، برآورد می‌شود که جمعیت این کشور در سال ۲۰۲۰ به حدود ۸/۶ میلیون نفر خواهد رسید و تقاضاهای کلی آب مصرفی مورد نیاز بخش کشاورزی، به یک میلیارد و ۱۲۰ میلیون متر مکعب خواهد رسید. با فرض اینکه زمین رژیم صهیونیستی باید سبز باقی بماند، سالانه متوسط، مصرف آب بخش کشاورزی حدود ۸۸۰ میلیون مترمکعب تخمین زده شده است، که برای تأمین آب آن تا سال ۲۰۲۰ باید ۵۳۰ میلیون متر مکعب آب با بالاترین کیفیت تأمین و در هر سال، ۶۲۰ میلیون متر مربع از فاضلاب‌ها بازیافت شود. در بخش صنعت نیز، نیاز به آب بالا خواهد رفت و ۳۰ میلیون متر مکعب آب شرب و ۲۵ میلیون مترمکعب آب با کیفیت پایین نیاز است. در سال ۲۰۲۰ نیازهای آب روی هم‌رفته به ۲ میلیارد و ۶۵۰ میلیون متر

مکعب خواهد رسید. سهم آب شرب از این رقم ۲۱۰ میلیون متر مکعب خواهد بود. در عین حال منابع آب قابل دسترس در بالاترین سطح، یک میلیارد و ۷۸۵ میلیون متر مکعب می‌باشد. حتی اگر این مقدار آب بوسیله آبخیزها و سایر منابع در سال ۲۰۲۰ به ۲ میلیارد متر مکعب برسد، باز هم نمی‌تواند نیازهای پیش‌بینی شده را مترفع سازد. بنابراین، رژیم صهیونیستی مجبور است منابع بیشتری (دیگری) برای آب تدارک ببیند. (دکونیک، ص ۶)

### ۲-۳- اقدامات بین‌المللی

رژیم صهیونیستی برای تأمین تقاضاهای فزاینده، همزمان در دو حوزه داخلی و خارجی راه‌کارهایی برای تأمین آب در پیش گرفت. در راستای خط‌مشی‌های داخلی، ابتدا کلیه منابع آب را ملی اعلام کرد و ضمن ایجاد مراکز برای بهره‌برداری از منابع موجود، به ایجاد شبکه‌های توزیع آب، ایجاد سدها، کانال‌ها، محدودیت‌های تخصیص آب و قیمت‌گذاری پرداخت. راه کار دوم به خارج از مرزها و مشارکت در طرح‌ها و پروژه‌های آب، وارد کردن آب و بالاخره تصاحب منابع آبی همسایگان معطوف بود. (مارتین، ص ۳۳۸)

#### واردات آب

رژیم صهیونیستی برای حل مشکل آب در دراز مدت، بهترین گزینه را رودخانه‌های بزرگ خاورمیانه همچون نیل، دجله و فرات، سیحان و جیحان و دیگر رودخانه‌ها یافته است. بخشی از مذاکرات کمپ دیوید راجع به خواست رژیم صهیونیستی از یک درصد رود نیل برای انتقال به صحرای نقب از طریق لوله بود، که انور سادات رئیس‌جمهور مصر تحت فشار افکار عمومی آن کشور آن را نپذیرفت (ملل، ص ۱۱۱). طمع رژیم صهیونیستی به آب رود نیل از اوایل قرن بیستم آغاز شد. هرتزل در سال ۱۹۰۳ طرح انتقال آب از مصر به فلسطین را مطرح و درباره آن با لرد کرامر انگلیسی به مذاکره پرداخت. هدف از این طرح

تغییر مسیر آب رود نیل از طرف صحرای سینا برای اسکان یهودیان در آنجا بویژه منطقه العریش بود. این طرح با وجود موافقت پطروس پاشاغالی با شکست مواجه شد (کاظمی). بر این اساس، نیاز رژیم صهیونیستی به آب رود نیل یکی از زمینه‌های همکاری رژیم صهیونیستی و اتیوپی شده است.

طرح ترکیه برای احداث خط لوله‌های صلح جهت انتقال آب از ترکیه به کشورهای همجوار در واقع طرحی صهیونیستی است. حتی نامگذاری و برنامه‌ریزی آن نیز صهیونیستی است. در سال ۱۹۷۴ الیشع کالی، مهندس رژیم صهیونیستی طرحی به نام آبهای صلح را مطرح کرد. این طرح پیشنهاد انتقال ۸۰۰ میلیون مترمکعب آب را از زیر کانال سوئز به طرف اسماعیلیه و از آنجا به خان یونس پیشنهاد می‌کرد که مخالفت مردم مصر و کشورهای همسایه حوزه نیل آن را متوقف کرد. با این پیشامد نگاهها به طرف ترکیه متمرکز شد تا این طرح را مطرح کنند و تورگوت اوزال آن را بر اساس گزارش کارشناسان رژیم صهیونیستی بپذیرد. در این طرح آب مورد نیاز از طریق خط لوله‌های صلح و از آبهای رودخانه‌های سیحان و جیحان تأمین شود (زهرالدین، ۲۱۴). دکتر وسام الهاشمی در پژوهشهایی که درباره مطامع آبی رژیم صهیونیستی نسبت به نیل انجام داده است به این نتیجه رسیده که طرحهای توسعه سلسله جبال اتیوپی، شبیه طرحهای توسعه جنوب شرقی سلسله جبال آناتولی است. طرحها از سوی مؤسسات خارجی پیشنهاد شده و صهیونیسم جهانی در آن نقش دارد، تا با این کار کشورهای عربی را از این آبها محروم کند و خود به بخشی از آن دست یابد. (الهاشمی، ص ۴۷)

#### نتیجه‌گیری

الف) در خاورمیانه معضل کمبود آب موجب مشاجرات زیادی بوده و در آینده نیز خواهد بود. هیدروپلیتیک خاورمیانه به شدت تحت تأثیر قدرتهای خارجی و رژیم صهیونیستی می‌باشد.

ب) بحران آب در رژیم اشغالگر قدس ناشی از کمبود آن (ضرورت

هیدروپلیتیک) است. سیاست امنیت رژیم صهیونیستی بر ایجاد، بقا و تأمین امنیت بنیان گذاشته شده است. این سیاست در راستای اجرای استراتژیهای سیاسی آن رژیم پی‌ریزی شده که یکی از عناصر مهم برای تشکیل و بقای آن آب است.

ج) آب از جهت ایدئولوژیکی، امنیتی، بقا و توسعه پایدار برای رژیم صهیونیستی دارای اهمیت زیادی است. آب عامل بقای این رژیم و یکی از عناصر قدرت آن می‌باشد.

د) استراتژی آبی رژیم اشغالگر قدس بر سه رکن دیپلماتیک، حمایتی و نظامی استوار است. این استراتژی‌ها در نهایت به تأمین منافع ملی منجر شده است. سه رکن این استراتژی به‌گونه‌ای طراحی شده که یکدیگر را تکمیل کنند.

ه) سیاستهای اعمال رژیم صهیونیستی در مناطق اشغالی از جمله منع حفر چاه، تخصیص اندک آب برای کشاورزی، قیمت بالا و کنترل نظامی بر منابع آب عواقب ناگوار اقتصادی و زیست‌محیطی را برای فلسطینی‌ها به همراه داشته است.

د) حقیقت آن است که دو رویکرد جنگ و صلح، دو روی استراتژی امنیتی - آبی رژیم صهیونیستی را تشکیل می‌دهند.

ز) رویکرد رژیم صهیونیستی به صلح و سیاست مذاکره بر سر منابع آبی نیز با استراتژی حفظ و گسترش منابع آبی صورت می‌گیرد. بدون شک آب یکی از متغیرهای تأثیرگذار در روابط اعراب و اسرائیل در فرایند صلح بوده و خواهد بود.

#### پیشنهادها

آب برای رژیم صهیونیستی به منزله مرگ و زندگی است. علی‌رغم رویکرد صلح‌طلبانه، این رژیم همچنان در راستای دستیابی به اندیشه از نیل تا فرات است. تلاشهای رژیم صهیونیستی در ترکیه و عراق بعد از جنگ ۲۰۰۳ و کشورهای آفریقایی نشان از این استراتژی دارد. همکاری اعراب با رژیم اشغالگر قدس در پروژه‌های آبی و شرکت در سیاست منطقه‌ای کردن آب، در نهایت به نفع رژیم صهیونیستی و به ضرر اعراب خواهد بود. جلوگیری از رسیدن رژیم

صهیونیستی به این اهداف برای کشورهای عرب همسایه یک ضرورت است. جمهوری اسلامی ایران باید در قبال این استراتژی، اقدامات دیپلماتیک وسیعی را انجام دهد. سرمایه‌گذاری در طرح‌های آبی این کشور می‌تواند از نفوذ صهیونیزم بکاهد.

همچنین حساسیت لازم را در بین اعراب، بویژه فلسطینی‌ها و مجامع جهانی راجع به حقوق آبی مردم فلسطین و اعراب برانگیخت و مسلمانان را از فروش آب به این رژیم منع کرد.

#### منابع فارسی

- ۱- احمدی، حمید (۱۳۶۹)؛ *ریشه‌های بحران در خاورمیانه*، تهران، انتشارات کیهان.
- ۲- استار، جویس (۱۳۷۱)؛ "بحران آب، زمینه‌ساز درگیری‌های آینده در خاورمیانه"، ترجمه ا. طباطبایی، *اطلاعات سیاسی - اقتصاد*، شماره ۵۵ و ۵۶.
- ۳- افتخاری، علی‌اصغر (۱۳۷۹)؛ "اسرائیل و بحران آب"، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی*، شماره سوم.
- ۴- الهاشمی، وسام؛ "اسرائیل تشنه آب نیل"، ترجمه باهر، *مجله ترجمان*، بخش سیاسی، سال سوم، شماره ۱۲۴.
- ۵- "ترکیه و بحران منطقه‌ای آب" (۱۳۷۶)؛ *مجله نگرشی بر تحولات سیاسی*، شماره ۶۳.
- ۶- پرز، شیمون (۱۳۷۶)؛ *خاورمیانه جدید*، ترجمه عدنان قارونی، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی.
- ۷- جی. مارتین، لی‌نور (۱۳۸۳)؛ *چهره جدید امنیت در خاورمیانه*، ترجمه قدیر نصری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۸- سلیمانی، محمدباقر (۱۳۷۹)؛ *بازیگران روند صلح خاورمیانه*، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

- ۹- سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت؛ "رهیافتی به ماهیت واقعی مشکل آب در اسرائیل"، ترجمه محمدعلی زنگنه، ماهنامه دیدگاهها و تحلیل، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
- ۱۰- عبداللهی، اسماعیل و مهدی زیبایی (۱۳۸۱)؛ برآورد استراتژیک اسرائیل، جلد اول، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۱۱- فغانی، حجت‌الله (۱۳۷۸)؛ ابعاد سیاسی - امنیتی بحران آب در خاورمیانه عربی و آینده مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل، تهران، انتشارات وزارت امورخارجه.
- ۱۲- نورالدین کیا، فضل‌الله (۱۳۷۷)؛ خاطرات خدمت در فلسطین ۲۵-۱۳۳۰، تهران، نشر آبی.
- ۱۳- کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۷۳)؛ "جنگ آب: مناقشات آینده در خاورمیانه"، فصلنامه خاورمیانه، سال اول، شماره سوم.
- ۱۴- کیوان‌حسینی، سیداصغر (۱۳۷۵)؛ "استراتژی توسعه منابع آبی رژیم صهیونیستی"، مجله مصباح، سال پنجم، شماره ۱۷.
- ۱۵- مؤسسه مطالعات استراتژیک لندن (۱۳۷۲)؛ آب امنیت و خاورمیانه، ترجمه پیروز ایزدی، تهران، پژوهشکده علوم دفاعی استراتژیک دانشگاه امام حسین (ع).
- ۱۶- نهازی، غلامحسین (۱۳۷۵)؛ "بحران آب در خاورمیانه"، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دوم، شماره ۱.
- ۱۷- هلال، جمیل (۱۳۸۱)؛ استراتژی اقتصادی اسرائیل در خاورمیانه، ترجمه سیدحسین سدی و امیرسلمانی رحیمی، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.

## منابع عربی

- ۱- زهرالدین، صالح (۱۹۹۶)؛ مشروع الاسرائیل الکبری بین الدمو جغرافیا و النفط والمياه، بیروت، المركز العربی للابحاث و التوثیق.



- ٢- السيد ياسين و آخرون (١٩٩٩)؛ *صراع القرن*، بيروت مؤسسه العربيه للدراسات و النشر.
- ٣- د. احمد ممو، "المياه في الاستراتيجيه الاسرائيليه : الحرب المقبله"، *مجله الشروق*، الرقم ٢٢٢٢٢٠.
- ٤- "في المئه نسبة ارتفاع استهلاك المياه في اسرائيل عام ٢٠٠٢" (٢٠٠٢/١١/٩)؛ *الاتحاد*، الرقم ٥٢٧٤٥٠.

### English References

1. Abuzahra, Badr Ali Ahmad (2000), *Water Crisis In Palestin*, (Presented at the Conference on Desalination Strategies in the South Mediterranean Contries).
2. Dolatyar, Mostafa, and Tins S. Gary (2000), *Water Politics in the Middle East*, New York : St. Martin's Press.
3. Dolatyar, Mostafa, "Water Diplomacy in the Middle East", *The Middle Eastern Environment*, University of NewCastel, St. Malo Press.
4. Deconick, Stefan (2004), *Israeli in a Context of Conflict : Prospects for Sustainable Development for Israeli's Water Policy and Palestinians Regional*, Center for Sustainable Development, Belgium :Ghent University, Februrary. On : <http://waternet.Ugent.be/waterpolicy.htm>.
5. Elhance, Arun (1999), *Hydropolitics in the 3<sup>rd</sup> World*, Washington D.C: United State Institute of Peace.
6. Lonergan, Stephen C. and David B. Brooks (1994), *Watershed : The Role of Fresh Water In the Israeli – Palestinian Conflict*. Off : International Development Research Center.
7. Rouyer, Alwyn (2000), *Turning Water Into Politics* Macmillan Press.

8. Shamir, Uri. *Water Agreement Between Israel and Its Neighbors*, Middle Eastern Natural Environments, The Israel Institute of Technology, Bulletin 103.
9. Wolf, Aaron T. (1995), *Hydropolitics Along the Jordan River*, Tokyo & New York & Paris: United Nation University Press.
10. ----- (1996), *Middle East Water Conflicts and Direction and Direction for Conflict Resolution*, International Food Policy Research Institute, Washington D.C.